



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۲۹ • مهر ۱۳۹۹

نوجوان
بازار

آسمانی تر از آن بود که در خاک بماند

مرگ چیست؟

مرگ همان شتر معروف سمجی است که دم در خانه همه می‌نشیند. البته والا مقام گوگل در تعریف مرگ نگاه‌های متفاوتی دارد. مثلاً می‌گوید «مرگ، سوت پایان زندگی و تعلق در دنیا است» و این شامل دنیای حقیقی که به آن تعلق داشته‌ایم، نمی‌شود. همان طور که سهراب سپهری شاعر معاصر می‌گوید: «مرگ پایان کبوتر نیست!» البته طبیعی است من و شما تعریف مان را از منابع دینی خودمان بیشتر جست‌وجو کنیم. مثلاً آنجا که گفته‌اند: «بِالْمَوْتِ تُخَيَّمُ الدُّنْيَا». این تعریف در عین سادگی، واقعی‌ترین تعریف مرگ است. دنیا با مرگ به پایان می‌رسد. اما معنی اش پایان زندگی انسان نیست. چرا که اهل بیت (ع) در تعریف دقیق مرگ فرموده‌اند که مرگ پلی است برای عبور از دنیای فانی و رسیدن به آخرت و زندگانی ابدی.



آه... سراغ من اومد (افسردگی)

کدام نوجوان است که با کمترین وقت ممکن به رویاهایش پرت نشود؟ پس لااقل رویاپردازی‌های دم مرگ را می‌توانید تصور کنید. چه بسا گاهی هم وقتی روی تخت خوابتان دراز کشیده‌اید و به سقف خیره مانده‌اید؛ به مرگ هم فکر کنید. اما گاهی ذهن می‌رود سمت این که بعد از من بقیه اطرافیانم چی می‌کنند؟ اصلاً من که آماده مرگ نبودم و نامه اعمالم هم حسابی سیاه است! یا ممکن است این فکر به ذهن خطور کند که نکند چیز زیبایی در انتظارم نباشد؟ این افکار می‌تواند به اندازه‌ای ادامه پیدا کند که فرد دچار غم و اندوه شود. خیلی هادر مواجهه با مرگ همین حس وحال را پیدا می‌کنند؛ مخصوصاً کسانی که به دنیای ابدی باور ندارند یا زندگی‌شان را جوری نگذرانده‌اند که با مناسبات و حساب و کتاب آن دنیا جور در بیاید.

من آماده‌ام (پذیرش)

آن را که حساب پاک است؛ از محاسبه چه باک است. کسانی که با مرگ از جنس پذیرفتن آن روبه‌رو می‌شوند؛ اغلب کسانی هستند که دوستی به این دنیا نچسبیده‌اند و هر وقت بگویند وقتش رسیده است سفری بی بازگشت را شروع کنی، چمدان رفتنش آماده است. البته برای همه کسانی که در انواع قبل می‌گنجند هم جایی می‌رسد که مرگ را می‌پذیرند. بدی کار این است که وقتی به مرگ باور پیدا کنی و خودت را برایش آماده کنی که دیگر هیچ فرصت تغییری نیست. برای همین است که بزرگان فرموده‌اند: «بمیرید قبل از این که مرگ به استقبال تان بیاید» و منظورشان آمادگی برای پذیرش این حقیقت تلخ است و بستن همان چمدان سفر.

از خرید یک لباس بگیر تا انواع نی همراه با خانواده محترم سرهم بگذارید تا تن به این خواسته دهید. هم با خودشان به همراه دارند. اگر اندن معامله می‌کنیم. مثلاً: «لااقل م که ناکام از دنیا نرم»، «تولد فرزندم

ست، اما هنوز دلش می‌خواهد برفته. مرگی که هرگز دست خودمان باز به قرار دارد. فقط می‌داند که داد و چیز در ازای کمی بیشتر زنده ماندن وستان و... در واقع با هم دارد به بیشتر تخفیف بدهد و زندگی را به

مکل نیستند. در ادامه دسته بندی این افراد را برایتان می‌گوییم.



هنر مردان خدا

واما گروه آخر کسانی هستند که به استقبال مرگ می‌روند. جانشان را در دست می‌گیرند و به دل میدان می‌زنند. البته همین استقبال شجاعانه از مرگ هم دو گونه است؛ یکی برای هدفی ظالمانه و اعتقادی کورکورانه قید زندگی را می‌زند، مثل داعش و دیگری سر اعتقادات قلبی با معیارهای درست عقلی و نقلی سفت و سخت می‌ایستد و یک عاشقانه آرام را رقم می‌زند. آدم اصولاً کمال گراست قبول دارید که؟! بعضی هادر خواسته هایشان از دنیا و زندگی کمال گرا هستند و راضی به کم نمی‌شوند و بعضی هادر انتخاب مرگ هنرمندانه کمال را از خدا می‌طلبند. شهادت، همان کمال‌گرایی در مرگ است.

مطمئن

بین کسانی هستند که خیلی شیک و مجلسی می‌پذیرند و روند طبیعی زندگی را طی می‌کنند تا موعود فرا برسد. ملات را می‌پذیرند، امتحانات سخت را بدون پشت سر می‌گذارند و از زندگی با تمام کم و لطف لذت می‌برند. بسته قطعاً هدفی در زندگی دارند و چشم اندازی بده متصور می‌شوند و کمر همت می‌بندند که هدف دست پیدا کنند یا در مسیرش قدم بزنند. آدم‌هایی که نشسته‌اند و نگاه می‌کنند تا مرگ رسو کله‌اش پیدا شود، اشتباه‌شان نگیرید.